

دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی اسال سیزدهم

پاییز و زمستان ۱۳۹۷ شماره چهل و هشتم

تأملی در ویژگی‌های ادبی و زبانی ماشین‌نوشته‌ها

فرهاد دیوسالار^۱

چکیده

ادبیات جاده‌ای که از ژانرهای ادبیات فولکلوریک محسوب می‌شود با عناوین دیگری چون: ادبیات سیار، ادبیات کامیونی، ادبیات بیابانگرد، ادبیات ماشینی، ماشین‌نوشته‌ها و خودرو نوشته‌ها نیز کاربرد دارد. این نوشته‌ها که ساخته ذهن مردان جاده‌است، بیان هنری زیبایی از رنج و اندوه انسان نسبت به ذات خود، اسرار و رموز جهان هستی، مطیع شدن در برابر قضا و قدر و سپردن امور به دست تقدیر و سرنوشت است. اگرچه بیشتر ابیات و عبارات ماشین‌نوشته‌ها گلچینی از اشعار دیگران است، ولی صاحب‌ماشین از آن برای بکارگیری احساسات درونی خود استفاده می‌کند و از طریق آن با مخاطبش ارتباط موفقی برقرار می‌سازد که در راستای آن مخاطب نیز جذب این ارتباط شده و رضایت خاطر او نیز فراهم می‌آید.

در این جستار که بر روش توصیفی-تحلیلی استوار می‌باشد، سعی بر آن است این نوشته‌ها از دیدگاه زبان‌شناسی و ادبی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین از روش تطبیقی و مقایسه‌ای بهره گرفته تا به تحولات و تغییرات موجود در این نوع خاص از ادبیات در دهه‌های مختلف بخصوص در دو دهه اخیر بپردازد.

با واکاوی موضوع در این جستار مشخص گردید آنچه درخصوص زبان ادبی این نوشتارها مورد توجه می‌باشد، تکثر ابعاد معنایی و مضامین مختلف در آنهاست که امری طبیعی می‌نماید، این بسبب قابلیت ویژه‌ای در این نوشتارها است که از آن به فضاسازی تعبیر می‌شود. شناخت زبان شعری با افکار و احساس موجود در پس آن، چگونگی انتقال و یافتن ابزار انتقال آن، از مهمترین مسائلی است که در این دل‌نوشته‌ها مد نظر است.

کلید واژه‌ها: ادبیات فولکلوریک، ادبیات جاده‌ای، خصوصیات زبانی ماشین‌نوشته‌ها، دیدگاه زبان‌شناسی، ادبیات ماشینی.

پیش درآمد

ادبیات در میان انواع فنون و هنرها، بنا بر یافته‌ها و ملاحظات روانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی، هنر برتر نزد تمام ملت‌ها و به خصوص ملت ایران از جایگاه قابل توجه برخوردار است و هرگز در گستره تاریخ و تغییر ذائقه نسل‌های مختلف، مقبولیت و محبوبیت خویش را از دست نداده است و نخواهد داد. این هنر برتر و رسانه فراگیر و چند رسالتی، فقط ابزار تفریح و سرگرمی و لذتجویی و بیانگر احساسات شاعرانه نبوده است؛ بلکه به فراخور حال خود خاستگاه بینشها و اندیشه‌های حکیمانه و عالمانه، پاسدار فرهنگ و تمدن ایران و ایرانی، حافظ زبان و وحدت ملی و بومی هم بود؛ چرا که این هنر به علت در دسترس بودن و نفوذ در لایه‌های مختلف اجتماع، با قابلیت‌های مختلفی از قبیل آموزش دانش‌های مختلف و علوم، عرفان، دین و حکمت، فلسفه و اخلاق، حماسه و اسطوره با جنبه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در خود منعکس کرده است.

در بررسی ادوار تاریخی ادبیات کلاسیک و سنتی و فولکوریک و شفاهی فارسی، مسیر پر فراز و نشیبی را طی کرد و فراز و فرود بسیار قابل تأملی را تجربه کرده است. ادبیات، گاه در درون خود زمزمه و نجوا بود و گاه فریاد و اعتراض، گاه آینه‌ای زنگار گرفته و غبار اندود بود و گاه شفاف و انعکاس دهنده تمامی ابعاد زندگی بشریت زمان خود، گاه زمینی بود و خاکی و گاه آسمانی بود و روحانی، گاهی از سلاطین و امرای وقت سیلی می‌خورد و گاه مورد تفقد و نوازش آنان قرار می‌گرفت، ولی از حرکت و جنبش و تلاش باز نماند و در بدترین حالتها کمر خم نموده و جاودانه ماند. این همان راز مانایی و جاودانگی این هنر است که برترین هنرها به حساب می‌آید.

ضرورت، اهمیت و هدف

شکی نیست که ادبیات جاده‌ای همانند رسانه‌ای قوی عمل کرده و از مخاطب زیادی نیز برخوردار است. با توجه به اهمیت ادبیات جاده‌ای که از ژانرهای ادبیات فولکوریک محسوب

تأملی در ویژگی‌های ادبی و زبانی ماشین نوشته‌ها ۱۱۱۱۱

میشود و بیان هنری زیبایی از درد و رنج قشری خاص و پرشمار از افراد زحمتکش و دلسوز جامعه هست که در لابلای این دل نوشته‌ها، احساس نوستالوژیک را در افراد تقویت می‌کند. اگرچه بیشتر ابیات و عبارات ماشین نوشته‌ها گلچینی از اشعار دیگران است، ولی صاحب ماشین از آن برای بکارگیری احساسات و منویات درونی خود استفاده می‌کند و از طریق آن با مخاطبش ارتباط موفق‌تری برقرار می‌سازد که در راستای آن مخاطب نیز جذب این ارتباط شده و رضایت خاطر او نیز فراهم می‌آید. همچنین ارتباطی ناگسستنی با معنا و فضای کلی این نوشته‌ها برقرار می‌کند و برانگیزاننده عواطف و احساسات مخاطبان است؛ چرا که سرشار از سخنان حکیمانه‌ای است که نتیجه سالها تجربه غم و شادی، و گرمی و سردی است که به همت این افراد گمنام منتشر شده است. متنهای مردم ساخت این نوشته‌ها که گنجینه با ارزشی می‌باشد و نتیجه با هم زیستن و بهتر زیستن در پناه آفرینندگی ذهنی زبانی است؛ لذا مضامین زیاد و متنوع آن باید دست مایه پژوهشی صاحب نظران با دیدگاه‌های مختلف قرار گیرد که در این جستار ویژگی‌های ادبی و زبانی آن که کمتر بدان توجه شده است، واکاوی و مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

پرسش‌های پژوهش

این جستار سعی دارد تا در خلال مطالب فوق، به سؤالات اساسی زیر پاسخ دهد:
منظور از ماشین نوشته‌ها چیست؟ و مهمترین مضامین و درونمایه‌های آن کدامند؟
مهمترین خصوصیات ادبی و زبانی ماشین نوشته‌ها کدامند؟
تحولات و دگرگونی‌های زبانی این نوشته‌ها در دو دهه اخیر چگونه بوده است؟

پیشینه بحث

آنچه که در این راستا حائز اهمیت می‌باشد این است که این موضوع باید از زوایای مختلفی مورد واکاوی و کنکاش قرار گیرد از قبیل: فرهنگی، ادبی، روانشناسی، اخلاقی، جامعه‌شناسی، لغوی و... ولی چنین بر می‌آید که کمتر به صورت تخصصی با دیدگاه‌های مختلف بررسی

شده باشد و بیشتر به جمع آوری این نوشته ها همت گماشته شده و از لحاظ درونمایه، مضامین و دسته بندی آنها توجه کردند که این تلاش بسی مغتنم و قابل تقدیر است و در خلال آن به برخی مسایل از زوایای مختلف توجه شده است. از قبیل:

باوند سواد کوهی، احمد، ادبیات جاده‌ای، آمل، ۱۳۸۴ ش؛

جلیلی، جواد، ادبیات جاده‌ای، قم، ۱۳۸۳ ش؛

حمیدی، جعفر، ماشین نوشته‌ها، شعرهای بلاگردان در باور رهنوردان بیدار، تهران، ۱۳۸۱ ش؛

هادیان طبایی زواره، جمال، اتول‌نامه: فرهنگ ماشین نوشته‌ها در ایران، تهران، ۱۳۸۸ ش؛

آنی زاده، علی. تأملی در ادبیات جاده‌ای. مجله شعر، شماره ۴۸، سال چهاردهم، تابستان ۱۳۸۵.

روش پژوهش

این پژوهش برای تعیین مسأله و گردآوری معلومات و تحلیل آن تا رسیدن به نتیجه مطلوب از روش توصیفی-تحلیلی بهره جسته است و با تکیه بر همین روش، در ابتدا گذری بر ادبیات فولکلوریک و ادبیات جاده‌ای و خصوصیات آنها داشته سپس ویژگی‌های زبانی و ادبی این دلنوشته‌ها را مورد کنکاش قرار داده است. همچنین از روش تطبیقی و مقایسه‌ای بهره گرفته تا به تحولات و تغییرات موجود در این نوع خاص از ادبیات در دهه‌های مختلف بخصوص در دو دهه اخیر پردازد.

ادبیات فولکلوریک

فولکلور^۱ واژه‌ای انگلیسی است که در سال ۱۸۴۸ میلادی برای اولین بار توسط آمبروز مرتن^۲ عنوان مقاله‌ای قرار گرفت که موضوع آن بحث در خصوص دانش عامه و آداب و رسوم سنتی بود. البته برخی مراجع ویلیام تامز^۳ را به عنوان اولین کسی که این واژه را در سال ۱۸۴۶ میلادی به کار برده است، معرفی کرده اند (Georges, Robert A., Michael, 1995, p 313)

1 - Folk-lore

2 - Morton Ambrose

3 - William Thoms

تألی در ویژگی های ادبی و زبانی ماشین نوشته ها ۱۳۸۸

فولکلور از دو بخش Folk و lore به معنی دانش عامه یا فرهنگ عوام، مقابل دانش و فرهنگ کلاسیک بکار برده میشود. آقای کالورت واتکینز معتقد است که این کلمه از واژه آلمانی fulka به معنای مردم یا ارتش گرفته شده است. (Calvert Watkins, 2000). شروع فرهنگ عامه یا همان فولکلوریک در حقیقت همزمان با نشو و نما و تاریخ تکامل انسان است و تاریخ معین برای آن نمی توان در نظر گرفت. اما کاربرد کلمه فولکلوریک و تحقیقات درباره آن در اروپا همان طور که ذکر شد، از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی و در ایران از اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی انجام شده است. صادق هدایت آن را در فواید گیاه خواری و نیرنگستان به کار برده و آن را "فرهنگ توده" خواند و نخستین دستورالعمل ها را برای جمع آوری فولکلور در مجله سخن انتشار داد. دکتر محجوب افرادی که در این زمینه از پیشگامان تدوین این فرهنگ بودند را چنین بر می شمرد: صادق هدایت، فضل ا... صبحی مهتدی و حسین کوهی کرمانی. (۱۳۸۳، ۵۶)

بتدریج و با عنایت صاحب نظران این اصطلاح در مفهوم دانش عامیانه و دانستنی های عامه مردم رواج یافت و ادبیاتی تحت عنوان ادبیات فولکلوریک و شفاهی در کنار ادبیات کلاسیک و سنتی پا به عرصه وجود نهاد.

خاستگاه ماشین نوشته ها و خصوصیات آن

منظور از ماشین نوشته ها مجموعه ای از دلنوشته ها شامل اشعار، جملات، عبارات و کلمات قصاری می باشد که بر روی بدنه، شیشه، باک بنزین، آینه، گلگیر و سپر تریلیها، اتوبوسها، مینی بوسها، کامیونها، تراکتورها و حتی ماشین های سبک و سواری نوشته می شود. ماشین نوشته ها از ابتدا در کشورهای هند و پاکستان متداول شده و به تدریج به کشور ما راه پیدا کرد. در کشورهای عربی بیشتر در سوریه تقریباً با همین مضامین و درون مایه ها و به صورت طیف گسترده و وسیعی یافت می شود، اگر چه در کشورهای دیگری چون عربستان و

مصر نیز بندرت وجود دارد. در سرزمین ایالات متحده آمریکا تحت عنوان سپر نوشته ها^۱ و بیشتر با مضامین عاشقانه و خانوادگی متداول می باشد. (Vedantam, 2008)

دقت نظر در پیام‌ها و محتوای پرنغز و جامع این نوشته‌ها خودسازی و خود آگاهی، چگونگی ارتباط آدمی با خویشتن خویش، با هستی در جامعه و مردم گوناگون، با خالق هستی و عشق به او و اطمینان به درگاه او را مورد تأکید قرار می‌دهد. پرهیز از معاشرت با افراد بد و پیمان شکنان، مدارا، مروت، عیب پوشی، بلند همتی، قناعت، صداقت، مناعت طبع، ترجیح حقیقت بر مصلحت، دور اندیشی، پرهیز از غم و اندوه، ادب معاشرت و ادب مواجهه یعنی نحوه برخورد با اقشار و افکار مختلف که از آن به مدیریت انسانی تعبیر می‌شود و فصلی قابل توجه از اخلاق اجتماعی است، در این نگاشته‌ها مورد توجه بوده است. همچنین مواضع آسیب پذیری دوستی، بدگویی، تفرقه افکنی حسودان، پاسداشت حرمت دوستی، چنگک نیاویختن به قدرتهای ناپایدار، توجیه ناپذیر بودن افزونخواهی و سرسپردگی به جاه و مال نیز از مواضع آسیب شناسی و هنجارگریزی اخلاقی است که بدان توجه شده است. (دیوسالار، ۱۳۸۹، ۱۰۹-۱۳۳)

همچنین در این افکار منفی و عادت های زشت و زننده به جستجوی محسنات و نیکویی‌ها هستند و از این طریق به ایجاد مؤلفه های مثبت اعتماد اجتماعی در روابط بین افراد جامعه هشدار دهند. (Seligman, 1998, p,13 و Barbalet, 1996, p77)

عشق به وطن، باورهای مذهبی و اعتقادات دینی و توسل به پیامبر و ائمه معصوم، پند و اندرزها، لوطی گری و پهلوانی و قلندری، کرکری خوانی، توصیف ماشین و بکارگیری ابزار و آلات آن، اخلاقیات، اجتماعیات، زن در اشکال مختلف، چشم زخم و روش های مقابله با آن، بهشت و جهنم، شکوه و گلایه، سرسپردن به تقدیر و بخت و اقبال بکارگیری طبیعت و فصول آن،

تألی در ویژگی های ادبی و زبانی ماشین نوشته ها ۱۵۱۱۱

همچنین عبارات و جملات خارجی و انگلیسی از مضامین و درون مایه های رایج و متداول در این نوشته ها می باشد که تقریباً از بسآمد بالایی برخوردار هستند (آنی زاده، ۱۳۸۵، ۹۹-۱۰۱). میگزساری و اصطلاحات مربوط به آن که باعث ایجاد دشمنی، نفاق و کینه در میان افراد جامعه می شود، در این نوشته ها بسیار کمرنگ است؛ مگر اینکه برای بیان نفی صفت رذیله و منفی باشد. مثل:

می خوری به گر ریا طاعت کنی

می بخور منبر بسوزان مردم آزاری نکن

شایان ذکر است که این اشخاص شاید هیچ بیتی، عبارتی، نوشته ای را با نیروی خیال خود نسروده و نوشته اند و بزرگترین هنر آنان در تغییر برخی از الفاظ و کلمات آن می باشد؛ ولی با تمام وجود، با نیروی سرزندگی و شادابی و با عشق، احساسات و عواطف خود را در لابلای این نوشته ها قرار داده و به مخاطبشان انتقال دادند.

در این پژوهش سعی بر آن است که این دل‌نگاشته ها از دیدگاه ادبی و زبانشناسی مورد بررسی قرار گیرند. در این دیدگاه، معیار و مبنای ارزیابی ادبیات در وهله اول زبان حاکم بر آن است و بر اساس معیارهای زبانشناسانه، این ادبیات ارزیابی و بررسی می شود و سایر شاخصه ها همچون معنا و مضمون و نماد که فرع بر زبان می باشد، در ارتباط با آن مورد توجه قرار می گیرد.

خصوصیات زبانی و ادبی ماشین نوشته ها

بکارگیری زبان و درک اسرار درون آن دو موضوع مهمی هستند برای کسی که آن را بکار می گیرد و باید به آن توجه داشته باشد.

از مهمترین مسائلی که در این دیدگاه به آن توجه و پرداخته می شود ویژگی های زبانی و بیان های بکار رفته در این نوشته ها، رابطه این زبان ها با هم، رابطه زبان با روحیات و مختصات روانی نویسندگان، تأثیر پذیری زبانی رانندگان از نویسندگان دیگر و حتی مخاطبان دیگر منطقه ای و بومی بودن زبان، ارتباط زبانی این ادبیات عامیانه با زبان کلاسیک و تأثیرپذیری از

آن در زبان گفتاری و نوشتاری از مهمترین مسائلی هستند که در این دیدگاه به آن توجه و پرداخته می شود. همچنانکه مکتب فرمالیسم^۱ بدان توجه و اهتمام می نمود. آنچه در مورد زبان ادبی باید در این نوشتارها مد نظر قرار گیرد این است که تکثر ابعاد معنایی و مضامین مختلف در آنها امری طبیعی می نماید و این به سبب قابلیت ویژه ای در این نوشتارها است که از آن به فضا سازی یاد می شود.

موضوع دیگری که در مبحث زبان اهمیت زیاد دارد این است که ادبیات کلاسیک و زبان ادبی آن، مفاهیم گسترده مد نظر خود را به ادبیات فولکلوریک منتقل می کند و طبیعتاً مفاهیمی را نیز از آنها دریافت می کند و دارای تأثیر و تأثر می باشند. و از این رهگذر شکاف و کاستی های موجود بین فرهنگ کلاسیک و فولکلوریک پر می شود.

خوشبختانه، امروزه ادبیات جاده ای و ماشین نوشته ها، در کنار دیگر انواع ادبی از قبیل ادبیات غنایی، نمایشی، تعلیمی، حماسی و ... لحاظ شده و به آن توجه خاصی مبذول شده است؛ چرا که فراوانی و کثرت نوشته ها با رویکردهای مختلف در این راستا خود دلیلی بر این مدعا می باشد.

دل نگاشته های موجود در آن یا از اشعار شاعران معروف مثل حافظ، فردوسی، سعدی، مولوی و غیره است و یا اینکه اشعار شاعران معروف با ذوق و سلیقه رانندگان دستکاری شده است و یا ابیاتی از شاعران گمنام یا به قول معروف اشعار لادری است. در کنار این ابیات و اشعار از جمله ها و عبارات بزرگان ادب و فلاسفه و حکما و علما و ... نیز استفاده شده است. به عنوان نمونه:

فکر می کنم، پس هستم: از رنه دکارت (fa.m. Wikipedia.org)

۱ - فرمالیسم، یکی از مکاتب نقد ادبی در حوزه بررسی ادبیات از دیدگاه زبان شناسی است. به اعتقاد فرمالیستها ادبیات صرفاً یک مسأله زبانی است و لذا میتوان گفت که زبان ادبی یکی از انواع زبان هاست و باید به آن از دید زبان شناسی نگریست. آنان اثر ادبی را شکل (فرم) محض می دانستند و معتقد بودند که در بررسی اثر ادبی باید تکیه بر فرم باشد نه اینکه به محتوا تکیه کرد.

تألی در ویژگی های ادبی و زبانی ماسین نوشته ها ۱۷۱۱۱

باید دنبال شادی ها گشت غم ها خودشان ما را پیدا می کنند: فریدریش نیچه

(<http://shenasname.com>)

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

(حافظ، ۱۳۶۸، ۱۴۲)

جنگ هفتاد دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

(حافظ، ۱۳۶۸، ۱۴۳)

مبادا از کرم گردی پشیمان که این خصلت خلاف است از کریمان

(شهریار، ۱۳۷۷، ۲۵۳)

چهره خورشید شهر مادریغا سخت تاریک است (فرخزاد، ۱۳۷۴، ۲۳۶)

جز نام نیک و زشت نماند ز کار ما جز نکویی مکن که جهان نیست پایدار

(اعتصامی، ۱۳۶۸، ۲۸۱)

میان این سنگ و آفتاب پژمردگی افسانه شد (سپهری، ۱۳۶۸، ۱۶۵)

ایام زمانه از کسی دارد ننگ کو در غم ایام نشیند دلتنگ

(خیام، ۱۳۷۵، ۱۲۲)

گاهی اوقات این عبارتها به صورت بریده و نه کامل ذکر شده اند. به عنوان مثال:

دزد را راه به گنجینه پنهانی نیست (از شهریار)

مصرع بعدی شعر چنین است:

او همه نقشه که نقدینه پیدا ببرد (شهریار، ۱۳۷۷، ۸۵)

تا کی غم آن خورم که دارم یا نه (از خیام)

و این رباعی به صورت کامل چنین است:

تا کی غم آن خورم که دارم یا نه وین عمر به خوشدلی گذارم یا نه

پرکن قدح باده که معلوم نیست کاین دم که فروبرم بر آرم یا نه

(خیام، ۱۳۷۵، ۱۵۹)

۱۱۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ شماره پیاپی ۲۶ و هشتم

پرده ام بی جان است (از سهراب سپهری)

و بصورت کامل شعر فوق چنین است:

چه خیالی چه خیالی... می دانم

پرده ام بی جان است

خوب می دانم حوض نقاشی من بی ماهی است (سپهری، ۱۳۶۸، ۲۷۴)

دختر امروز مادر فرداست (از پروین اعتصامی)

بیت فوق بصورت کامل چنین است:

همیشه دختر امروز مادر فرداست زمادر است میسر بزرگی پسران

(اعتصامی، ۱۳۶۸، ۱۸۶)

مرگ من روزی فرا می رسد (از فروغ فرخزاد)

و بصورت کامل چنین است:

مرگ من روزی فرا خواهد رسید

در بهاری روشن از امواج نور (فرخزاد، ۱۳۷۴، ۲۸۱)

همچنین: جز حسرت نباشد کار من

که بصورت کامل چنین است:

هیچ جز حسرت نباشد کار من

بخت بد، بیگانه ای شد یار من (همان، ۱۳۳۳)

البته باید خاطر نشان ساخت که علیرغم برش و قطع کردن عبارت‌ها و جمله‌ها، صاحبان این مرکب‌های آهنگین جملات و عبارات را بر بدنه ماشین‌های خود نقش می‌بندند و احساسات خود را بیان می‌کنند بدون اینکه از صاحبان اصلی و واقعی این نوشته‌ها جدا شوند و هیچ گسستگی و انفصالی بین افکار و اندیشه‌های آنان و احساسات و عواطف این اشخاص وجود ندارد. آنان اگرچه در ظاهر با نوعی جدایی و گسستگی همراه هستند؛ ولی در واقع با افکار

تأملی در ویژگی های ادبی و زبانی مابین نوشته ها ۱۹۱۱۱

آنان در ارتباط و پیوستگی می باشند. در حقیقت مصداق این ضرب المثل معروف هست که می گوید: "جانا سخن از زبان ما می گویی" و در واقع این ابیات و نوشته ها حرف دل آنها می باشد که گفته شده است و همان حرف دل خود را از زبان طرف صحبت شنیدن است. آنچه که در زبان شعری ادبیات جاده ای وجود دارد شاید تصویرگر و بیانگر چیزی نباشد؛ ولی آنچه که مدنظر می باشد این است که صاحبان مرکب های آهنین بدون توجه به هرگونه نظریات زبانشناسی و ساختارگرایی، و مقید شدن به تمام این تئوری پردازی ها احساسات درونی و منویات باطنی خود را از طریق آن نوشته و به بهترین وجه ممکن بیان می نمایند. آنچه در این دلنوشته ها مد نظر قرار گرفته، بیان عاطفه و احساس درونی است، ولو اینکه آن نوشته از خود شخص نباشد. صاحبان خودروها، احساسات و عواطف خود را از طریق آن بیان می کنند، بدون اینکه با تصورات و احساسات صاحبان این نوشته ها □ شعرا، نویسندگان، فلاسفه و غیره - مخالفتی داشته باشند.

از آنجایی که ادبیات جاده ای، ادبیاتی خودجوش، بااصالت، ادبی راستین و متعهد و بطور کاملا طبیعی و آزاد بدور از هرگونه فشار و قید و بندی از عوامل بیرونی است، در آن نفی و اثبات و ستایش و نکوهش دوروی یک سکه می باشد. نفی خود کامگی، خودپسندی و غرور، فساد، طغیان علیه گردنکشان، نکوهش نیهیلیسم و پوچ گرایی، ناراستی و دنیا زدگی و دنیا پرستی ... ستایش اخلاقیات، فتوت و جوانمردی، عدل و انصاف، کرامات انسانی، خرد گرایی، صلح و راستی و غیره.

قابل توجه است که مضامین انتقادی و لحن شکوه گر و شکایت آمیز بسیاری از اشعار و نوشته های خودرونوشته ها از لحاظ ادبی، به ویژه در بخش سروده های عاشقانه و شکوه ها و گلایه ها، یادآور مکتب واسوخت و سبک هندی در شعر کلاسیک است (خاتمی، ۱۳۷۱، ۱۱-۳۱؛ قاروق فلاح، ۱۳۷۴، ۵۷).

واسوخت^۱:

در اصطلاح ادبیات سنتی و کلاسیک کشورمان به معنی وا پس زدن و کنار گذاشتن معشوق در نتیجه کم توجهی معشوق به عاشق است. واسوخت شاخه‌ای از وقوع گویی است که دوری جستن و روی گردانی دل داده از دلبر را مد نظر دارد. این سبک، شیوه‌ای نو در غزل سرایی قرن دهم است که ویژگی بارز آن سادگی بسیار زبان و خالی بودن آن از اغراق‌های شاعرانه و آرایه‌های ادبی بدیعی بود. این سادگی بعدها جای خود را به سبک هندی داد.

از مهمترین شاعران این مکتب لسانی شیرازی واضح آن، اشعار میرزای اشرف جهان قزوینی که اشعار او را نمونه کامل این مکتب می‌دانند. و همچنین هلالی جغتایی، اهلی شیرازی، وحشی بافقی... (شمیسا، ۱۳۷۵، ۲۷۲)

از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی و زبانی ادبیات جاده‌ای و خودرو نوشته‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

* ایجاز و اختصار، مضمون سازی، توجه زیاد به ایهام، لغز، چیستان و معما، واقعه‌گویی (واسوخت)، بیان افکار مذهبی و احیانا اندیشه‌های فلسفی و عرفانی، بیان احوال شخصی، عواطف و احساس و برداشت خودشان از مرگ و زندگی.

بیان چند مورد از نمونه‌های فراوان این دلنوشته‌ها در این راستا:

اگه میتونی این تابلو رو بخون (کنایه از کم فاصله و رعایت نکردن فاصله مجاز با خودروی جلویی)

خدایا مردم از این همه خوشی (برای بیان درد و رنج و مشقات زندگی)

منمشتلعشقلیمچهکنم (من مشتعل عشق علی ام چه کنم)

۱ - واسوخت یعنی بیزاری و اعراض و روگردانی از معشوق (آندراج). واسوخت، شاخه‌ای از سبک قدیمی وقوع گویی است. این سبک، در اوایل قرن دهم هجری در شعر پارسی پدید آمد. در حقیقت، سبک وقوع گویی، برزخی بین شعر دوره تیموری و سبک هندی بود و غرض از آن بیان کردن حالات عشق و عاشقی از روی واقعیت بود. (گلچین معانی، ۱۳۷۴، ۳)

ایحجتخدا (ای حجت خدا)

پشت یک مینی بوس با حروف انگلیسی نوشته بود: zoornazanfarsineveshtam

یعنی؛ زور نزن فارسی نوشتم.

و نمونه های فراوان دیگر که در قسمتهای دیگر در ادامه بحث بیان شده اند.

* کثرت تشبیهات و کنایات (بخصوص در تشبیه خودرویشان به رخس، عقاب، کوسه، روباه، عروسک و غیره)، بکار بردن واژه ها و اصطلاحات عامیانه و الفاظ بازاری و قریب به زبان تخاطب و نوشته های لوطی و داش مشطی از قبیل:

اگه زمونه نامهربونه تو مهربون باش اگه آفتاب میسوزونه تو سایبون باش

داش سئام علیکم

سوزن رفاقت در تیوپ قلبم فرو رفت و گفت: فیسیسیسی

تازه فهمیدم پنچرتم رفیق!

صفای همتون ما رو دومنگیر خودش کرده هستم تا هست مردونگی...

* لفظ تراشی و ترکیب سازی خاص و ساخت اشعار با بهره گرفتن از قسمت های مختلف خودرو:

نیم کلاجم را نگیر آرام عوض کن دنده ام نو عروسی هستم و تازه دامادی شده راننده ام!

رادیاتور عشق من از برایت جوش آمده! باور نداری بر آمپر بنگر!

زمان تنها ماشینی است که ترمز ندارد

* بهره مندی از واژگان ساده و معمولی و محاوره ای:

به سلامتی تابلوی ورود ممنوع! که یه تنه یه اتوبان رو حریفه.

دانش اسیرتم خاطر خواتم وحشتناک! تو نباشی نفسم بالا نمیداد

* وجود فراوان پارادوکسها و متناقض نماها در نوشته هایشان:

آخرین نگاه تو اولین غم من

آن قدر آه کشیدم که ز جان سیر شدم صورت‌م گر چه جوان است ولی پیر شدم
امان از دشمن دوست نما

سر پایینی پرنده سر بالایی شرمنده

نور پایین نشانه شعور بالاست!

* الهام‌گیری از تجارب روزمره اشخاص و اشیای محیط، بیان نوعی درد و شور و احساس غریب در شعرهای عاشقانه و شکوه‌ها و گلایه‌ها، تشخیص و شخصیت‌بخشی (انسان‌وارگی طبیعت و تجسم ماده و بیجان، بویژه نسبت به خودرویشان که همدم و مونس آنان به هنگام سفر و در زمان غربت و تنهایی و دوری از خانواده و زادگاه می‌باشند). از قبیل:

من مرد تنهای شبم

جاده طلاقم بده...

خسته‌ام ز تکرار شب

پاییز پادشاه فصول

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد

در حسرت دیدار تو آواره‌ترینم

مواظب گرمای دلت باش تا کاری که زمستان با زمین کرد زندگی با دلت نکند...

منتظر باید بود تا زمستان برود غنچه‌ها گل بکنند

آهوی بیابان (بر سپر اتوبوس نوشته بود)

رخش بیقرار (بر گلگیر خاور نوشته بود)

پلنگ مازندران (پشت نیسان آبی نوشته بود)

* عدم توجه به رعایت املای درست کلمات و واژگان و مسائل گرامری و دستوری در بسیاری از موارد (مخصوصاً زمانی که خود اقدام به شعر گفتن می‌کنند و یا زمانی که شعر دیگران را تغییر می‌دهند)، نداشتن قید و شرط در استعمال الفاظ. از قبیل:

تألی در ویژگی های ادبی و زبانی ماسین نوشته ۲۳۱۱۱

ما را با هوریان بهشتی کاری نیست اروده کشان جهنم رو عشقست
آغبط فرار اظ مدرصه (پشت یه تریلی نوشته شده بود)
پدر چشم انتظارم نظار (پشت یه کامیون نوشته شده بود)
هر چه میخواهد دل تنگت بوگو بینویس هر چی تو اون دل و قلوته
بنی آدم ابزار یکدیگرند؛ یا بنی آدم رو اعصاب همدیگرند
این نوشته ها تغییر این بیت از سعدی هست که می گوید:
بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند
آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا صبر کن هر وقت من از راه رسیدم اونوقت بیا
مصرع دوم بیت از شهریار چنین است: "بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا"
آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است سیگار بعد چایی بعد سیگار
این بیت از حافظ و مصرع دوم آن چنین است:
با دوستان مروت با دشمنان مدارا

* سرازیر شدن موج فراوانی از کلمات و عبارات بیگانه بویژه انگلیسی به زبان فارسی. از قبیل:

I LOVE YOU

Kill me kiss me but don't leave me

See not see

Stay with me

Please wait

Today I change

Smile a moment

از لحاظ مسایل اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، اخلاقی و روانشناسی آنچه در این نوشته ها به چشم می خورد عبارتند از:

* آمیختگی حکمت عملی یا اخلاق، جهان بینی هستی، دینی و عشقی در دلنوشته هایشان.

مرگ واقعی است که باید باورش کرد

تا شقایق هست زندگی باید کرد

ید الله فوق أیدیهم

هذا من فضل ربی

اللهم صل علی محمد و آل محمد

الهی سفره ای بی نان نباشد

خدایا چشمان منتظر را گریان نکن

خداوندا محتاج توام نه محتاج بشر

یا رب تویی فریادرس

یا دهنده بی منت

بنام آنکه دوستی را آفرید

بنام مکانیک قلبهای تصادفی

اوس کریم و... نمونه های بسیار فراوان دیگر.

* شرح بد اقبال، تیره روزی و یأس و سرخوردگی خود و دیگران به علت وضع زمانه و موقعیتهای شغلی و اجتماعی.

از دست روزگار ناچارم (پشت یه ماشین تخلیه فاضلاب نوشته شده بود)

زنادانی در افتادم در این دام (پشت تریلی نوشته بود)

از بخت بدم، آینه فروش شهر کورها شدم!

* شکوه و گلایه از درد غربت و دوری از وطن و تنهایی، خیانت دوستان و نزدیکان، بیوفایی معشوق، دنیا و روزگار.

بمیرد آنکه غربت را بنا کرد مرا از تو، ترا از من جدا کرد

بد دردی این تنهایی (پشت کامیون نوشته شده بود)

امان از رفیق نامرد!

* انتقاد از جهل و مردم جاهل و فریب خورده و تشویق آنان به کسب علم و دانش اندوزی.

پشت یک تریلی نوشته بود: عاقبت فرار از مدرسه!

حسنی به مکب نمی رفت باباش گذاشتش کمک شوفری

در سیه چال زمین با جهل نتوان زیستن

* تمسخر زاهدان ریایی و عوام فریبان که موجب فساد اجتماع و صید خلق اند، با سخنان نیشدار

و طنزآمیز و انداز آنان از عاقبت کارشان.

همه رنگی قشنگه جز دورنگی

می خوری به گر ریا طاعت کنی

دختر از بهر عفت میکند چادر به سر نامه را از زیر چادر میدهد دست پسر!

* نکوهش تند و شدید صاحبان پدیده های زشت و رذائل حسد، ریا، دروغ، خیانت،

منفعت پرستی، سودخواری، ناسنجیده سخن گفتن، کینه توزی و حرص.

چون نداری مایه از لاف سخن خاموش باش

از ناکسان دهر امید وفا مدار

ای صوفی برو لقمه خود گاز بزن کم پشت سر خلق خدا ساز بزن

عیبجویان از سکوت کس برون آرند عیب

* بر اساس تجربیات که در طول این مسافرت ها آگاهانه و یا با تکرار در زندگی و مبارزه با

سختی ها و مشکلات کسب کردند، مخاطبین را به کار و تلاش، راستی و وفاداری و

جوانمردی، داشتن علو طبع و بلند همتی و سایر فضائل دعوت می کنند.

نیم کیلو باش ولی مرد باش

آب رادیاتور ماشین بخور محتاج نامردان نباش!

آبی که آبرو برد ننوش حتی اگر از تشنگی بمیری

هنگام طلب، همت خود را بلند دار

چو محرم شدی خانه دوست نگهدار ناموس و دست و زبان

من از رویدن خار بر سر دیوار دانستم که ناکس، کس نمی گردد بدین بالانشستنها

* هشدار دادن اغنیا و ثروتمندان، بزرگان و مسندنشینان اریکه قدرت از عواقب ظلم و
بیدادگری و بی توجهی به زیردستان.

اینهمه چریدی دنبه ات کو؟

چون تو از دنیا چریدی او ترا خواهد چرید

مکن هرگز ستم بر زیردستان

* توجه دادن دیگران به باورهای دینی و اعتقادات مذهبی، توکل به خداوند، توسل به پیامبر و
ائمه معصومین که راه نجات و فلاح و رستگاری هستند و پایبندی به عناصر و اصول دین اسلام
(با توجه به پژوهش میدانی در استانهای تهران، مازندران و البرز که در این زمینه انجام شد
(دیوسالار، ۱۳۹۴، ص ۲۸ به بعد) در این میان توسل و ارادت خاصی به ترتیب عنایت و
توجهشان به اشخاص زیر می باشد: امام علی (ع)، حضرت ابوالفضل (ع)، امام حسین (ع)، امام
زمان (عج)، امام رضا (ع)، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص)، حضرت فاطمه (س)،
حضرت زینب (س) و ...

در این بخش برای نمونه به ذکر دو مورد از این اقیانوس بیکران بسنده می کنیم:

هر کس به کسی نازد ما هم به علی نازیم // علی هنگام قدرت مهربون بود

ریزه خوار خوان توام یا ابوالفضل // قربان مقامت یا ساقی بی دست

سلطان عشق حسین // من می میرم به عشق مولایم حسین

بیا مهدی شب هجران سحر کن // سفر در پناه امام زمان

یا ضامن آهو ماه تابانم رضا // قربون کبوترای حرمت امام رضا

محمد در عرش اعلا بینظیر است // محمد قافله دار پیامبران

یا شفیع محشر فاطمه الزهرا // بانوی دو عالم فاطمه زهرا

زینب مادر عاشورا // زینب شیرزن دشت کربلا

* توجه و اهتمام زیاد به مدح اولیای دین و معصومین و ذکر مناقبشان بر خلاف مدح سلاطین و امرا و صاحب مسندان.

برای نمونه علاوه بر موارد فوق الذکر به چند مورد اکتفا می شود:

بیمه اش کردم به نامت یا رضا

عدالت تشنه دیدار مهدی

به حب تو دارم رجا یا حسین جان

آب شرمنده ایثار تست یا عباس

شاهی که ولی بود علی بود

محمد افتخار هستی و ... إلخ.

* اعتراض به بی قانونی ها و ناهنجاری های موجود در جامعه.

صدنامه نوشتیم و جوابی نگرفتیم این هم که جوابی ننویسند جوابی است.

پشت یک ژیان نوشته بود: حالا که خر تو خره ما هم پژو.

و باز هم پشت یک پیکان: حالا که هر کی به هر کیه، ما هم ما کسیمایم!

* وفور اندرزها و پندها و شعارهای اخلاقی و انسانی بخصوص راجع به مرگ و زندگی و زودگذر بودن دنیا و بیوفائیهای آن.

بیهوده متاز مقصد خاک است

مرگ واقعیتی است که باید باورش کرد

زندگی زندگی کننده را دوست می دارد ...

نفرین به این زندان که نامش زندگیست

جان کندن است زندگی ما

زندگی زندان سرد کینه هاست

افتادگی آموز اگر طالب فیضی هر گز نخورد آب زمینی که بلند است
مردی نبود فتاده را پای زدن گر دست فتاده‌ای بگیری مردی
گر به دست تیغ دادی چرخ روزگار هر چه می خواهی ببر اما مبر نان کسی

بررسی اجمالی از دیدگاه زبانی و معنایی دلنوشته‌های منقش بر قسمت‌های مختلف خودروهای گوناگون در دو دهه اخیر و مقایسه آنها با ماشین‌نوشته‌های دهه‌های پیش از آن، بیانگر این نکته است که در دهه‌های پیش بیشتر تک بیت‌های زیبا و نابی استفاده می‌شدند که حکیمانه و حاوی پندی ارزشمند و گاهی شکایت از روزگار و دوری از یار و دیار بود که از شاعران بزرگی مثل حافظ، سعدی، فردوسی، خیام و عطار یا از دیگر شاعران گمنام گرفته شده بود - البته بعضاً با برخی تغییرات در آن ابیات و اشعار-، اما امروز با تنوع خودروها و تغییر آهنگ سفرها از سفرهای کاری به سفرهای سیاحتی و تفریحی و همچنین گسترش رسانه‌ها و تولید انبوه شعر و ترانه، ماشین‌نوشته‌ها بیشتر رنگ و بوی عشق و عاشقی، طنز و حتی گاهی هجو می‌دهند که رسانه‌هایی مثل اینترنت و کامپیوتر، رادیو، تلویزیون و تلفن بویژه تلفن همراه در گسترش آن مؤثر بوده است.

همچنین باید متذکر شد که نوشته‌های دهه‌های پیش همراه با باور و ایمان درونی و وجدانی نویسندگان آنها که همراه با نوعی جوانمردی، لوطی‌گری و بزرگ‌منشی بوده است؛ در حالی- که نوشته‌های اخیر حاصل ذوق و احساس زودگذر و سلیقه‌های نویسنده آن، تحت تأثیر رسانه‌های فوق‌الذکر و ره‌آورد تولید انبوه ادبیات طنز و بیشتر برگرفته از اشعار و ترانه‌های نوپردازانه می‌باشد.

در پایان شایان ذکر است که خوشبختانه اخیراً جنبه‌های فرهنگی، مذهبی، جامعه‌شناسی و روحی صنف رانندگان جاده‌ها در استفاده از ماشین‌نوشته‌ها مورد توجه متخصصان فرهنگ لغات و زبان در جامعه ایران اسلامی قرار گرفته و نمونه‌هایی ثبت و گردآوری شده است. و

با توجه به احساس و اندیشه متمایزی که بر روح این ادبیات حاکم است و خیال انگیزی و بهره مندی آن از آرایه ها و زیبایی های ادبی و در نتیجه جلب بیشتر مخاطبان و تأثیر گذاری عمیق آن در جامعه، امیدواریم که صاحب نظران و دست اندر کاران بیشتر از پیش به این مهم عنایت و توجه لازم مبذول دارند.

نتایج مقاله

در پایان و به عنوان جمع بندی مطالب روشن میشود که:

- ۱- ماشین نوشته ها، بخشی از فرهنگ و یا دانش عوام محسوب می شوند و با عنایت به نقش و کارکرد موفق، عمیق و تأثیر گذار آن، دیرپا و مانا خواهد بود.
- ۲- صاحبان این نوشته ها، هم احساسات و مکنونات درونی و قلبی و هم رؤیاها و آرزوهایشان را به منصفه ظهور می رسانند و همچنین، دیدگاهشان را نسبت به جامعه ای که در آن زندگی می کنند، بیان می نمایند.
- ۳- آبخور اصلی این نوشته ها، ادبیات کهن فارسی است، اما ترکیب، تغییر و آفرینش ادبی زیبا نیز هنری است که گاه در این نوشته ها استادانه، هوشمندانه و دقیق بکار رفته است؛ لذا از نقطه نظر زبانی و ادبی که زیبا، جذاب و اثر گذار است، شبهه ای باقی نمی گذارد.
- ۴- از لحاظ زبانی و ادبی، این دلنوشته ها برای صاحبانش خلق زندگی جدید با احساسی تازه و افکاری جدید بر اساس محیط تازه و در عین حال رها از هرگونه قید و بند ادبی، نقدی و شعری می باشد. خودرو نوشته ها در عین حالیکه بر پایه و متکی بر افکار و اندیشه های گویندگان و سراینندگان آن می باشد، در ارتباط مستحکم با زندگی و فکر و اندیشه آنان است.
- ۵- این نوشته ها از لحاظ زبانی با سادگی و زیباییش - علیرغم وجود واژه هایی نادرست و غلط به صورت های مختلف- با حضور خود به انجام وظیفه اش پرداخته و به عنوان منبعی غنی و سرشار موفق عمل کرده است و مخاطبش از آن احساس رنجش و نفرت ندارد.

۶- ویژگی این نوشته ها از نقطه نظر ادبی و زبانی - علیرغم عامیانه و کوچه بازاری بودن در برخی موارد- در این است که دارای زبانی شیوا، فصیح و سالم می باشد.

ویژگی بارز دیگر این دل نوشته ها، بریده بودن مطالب است، یعنی؛ برشی از یک مجموعه به صورت تک نوشته می آید که در برخی موارد همین عامل، یافتن بار معنایی را دشوار می کند. همچنین زبان پریشی، گسیختگی، درهم ریختگی و برش گونه مطالب به صورت سرهم قابل توجه ویژه است.

نکته قابل توجه اینکه الفاظ این دل نوشته ها چنان بجاء، منطقی و خوب بکار گرفته شده و آراسته شده اند که کاملاً در خدمت معانی قرار گرفته اند و ارتباط عمیقی بین لفظ و معنا برقرار شده است که در نتیجه مقصود گوینده حاصل و هدف بیان می گردد.

۷- نکته ای که به خوبی در زبان و ساختار این دل نوشته ها رعایت شده و ملموس است و چه زیبا و رندانه در انتخاب نوع زبان و گفتار و سواس به خرج رفته است، زبانی کاملاً عامیانه و قابل درک و فهم زبانی است که در نتیجه، اثر گذاری آن برای مخاطب بسیار بیشتر می باشد.

۸- در ادبیات ماشین نوشته ها، روح واقعیت گرایی بر آرمان گرایی غلبه دارد و صاحبان آن با زبان ساده بیان می کنند که واقعیت دنیا چیست و در آن چه می گذرد. دنیایی که به خاطر تردد این اشخاص در سرتاسر کشور، می تواند به وسعت یک جامعه و کشور باشد.

تأملی در ویژگی های ادبی و زبانی ماشین نوشته ها ۳۱۱۱۱

کتابشناسی

- ۱- آنی زاده ، علی. (۱۳۸۵). تأملی در ادبیات جاده ای. مجله شعر، شماره ۴۸، سال چهاردهم، تابستان.
- ۲- ابراهیم، نیله. (۱۹۷۴). أشكال التعبير فی الأدب الشعبي. ط ۲، دار نهضة مصر، القاهرة.
- ۳- اعتصامی، پروین. (۱۳۶۸). دیوان، به کوشش محمد عالمگیر تهرانی، نشر محمد.
- ۴- الجوهري، محمد. (۱۹۸۸). علم الفولکلور، دراسة المعتقدات الشعبية. دار المعرفة الجامعية، الإسكندرية .
- ۵- جلیلی، جواد. (۱۳۸۳). ادبیات جاده ای، قم.
- ۶- حسین پور، عباس. (۱۳۸۹). جلوه های ادعیه و التجا در ادبیات جاده ای. مازند نومه، چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت.
- ۷- حمیدی، جعفر. (۱۳۸۱). ماشین نوشته ها، شعرهای بلاگردان در باور رهنوردان بیدار، تهران.
- ۸- خاتمی، احمد. (۱۳۷۱). سبک هندی و دوره بازگشت (یا نشانه هایی از سبک هندی در شعر دوره اول بازگشت ادبی)، چاپ اول، ناشر: بهارستان، چاپخانه احمدی.
- ۹- خیام، عمر. (۱۳۷۵). رباعیات خیام، از نسخه محمد علی فروغی و قاسم غنی، تهران: انتشارات گنجینه ناصر خسرو.
- ۱۰- دیوسالار، فرهاد. (۱۳۸۹). آسیب شناسی پدیده های اجتماعی در خودرو نوشته ها، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه های ادبی، اراک، شماره ۵ پاییز.
- ۱۱- دیوسالار، فرهاد. (۱۳۹۴). ماشین نوشته ها از نگاهی دیگر، چاپ اول، ناشر: سبز آرنک.
- ۱۲- ریچارد ز. (۱۳۸۲). روانکاوی فرهنگ عامه، ترجمه: حسین پاینده، طرح نو، تهران.
- ۱۳- ساروخانی. (۱۳۸۶). فولکلورشناسی از روش تا معنی، فرهنگ مردم ایران. شماره ۱۰ پاییز.
- ۱۴- سپهری، سهراب. (۱۳۶۸). هشت کتاب، چاپ هشتم، تهران: کتابخانه طهوری، چاپ گلشن.
- ۱۵- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). سبک شناسی شعر، چاپ دوم، تهران: فردوس.
- ۱۶- شیرازی، حافظ. (۱۳۶۸). دیوان، چاپ اول، نشر فروغ.
- ۱۷- فرخزاد، فروغ. (۱۳۷۴). دیوان، تهران: انتشارات مروارید.
- ۱۸- قاروق فلاح، غلام. (۱۳۷۴). موج اجتماعی سبک هندی، چاپ اول، چاپ و صحافی: مهشید، انتشارات ترانه.
- ۱۹- کاویانپور، احمد. (۱۳۷۷). حافظ و شهریار، تبریز: انتشارات تلاش، چاپ سهند.
- ۲۰- گلچین معانی، احمد. (۱۳۷۴). مکتب وقوع در شعر فارسی، چاپ اول، مشهد: فردوسی.

- ۲۱- محبوب، محمد جعفر. (۱۳۸۳). ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه ها و آداب و رسوم مردم ایران)، چاپ دوم، به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری، چاپ حیدری، زمستان، تهران.
- ۲۲- هادیان طبایی زواره، جمال. (۱۳۸۸). اتولنامه: فرهنگ ماشین نوشته‌ها در ایران، تهران.
- 23- A. Seligman,(1998) *The problem of Trust*, Princeton, New Jersey: Princeton University.
- 24- Calvert Watkins(2000) (ed.), *The American Heritage Dictionary of Indo-European Roots*, second edition (Houghton Mifflin).
- 25- Barbalet, J.M. (1996). Social emotions: confidence, trust and loyalty, *International Journal of Sociology and Social Policy*, Vol. 16, No. 9.
- 26- Dasgupta, Partha (2009). Trust and Cooperation among Economic Agents Royal Society Discussion Meeting on 19/20 January.
- 27- Dorson, Richard Mercer (1972). *Book of Folklore*, pp. 1916-1981, Bloomington: Indiana University Press.
- 28- Georges, Robert A. (1995). Michael Owens Jones, "Folkloristics: An Introduction," pp.313 Indiana University Press.
- 29- Vedantam, Shankar (2008). "Sign of road rage may be on bumper". *Chicago Tribune*. Retrieved 2008-06-17.